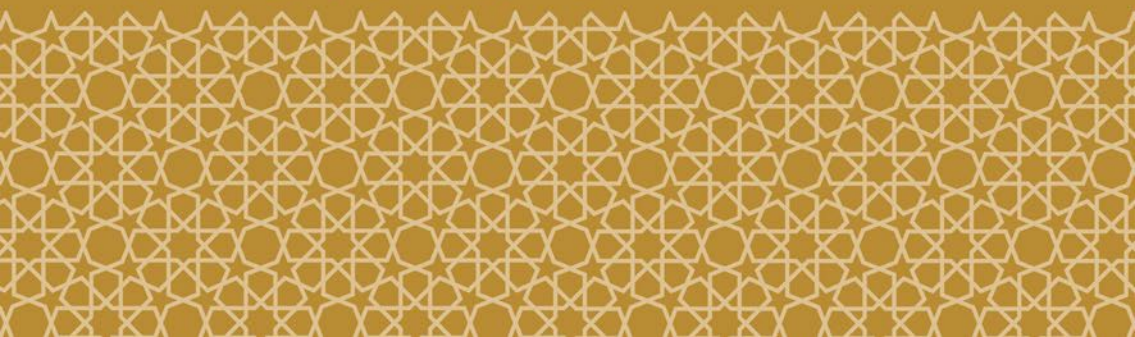


# انسان

در اندیشه رهبر انقلاب



الحمد لله  
الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لولا  
أن هدانا الله

جهان بینی اسلامی و خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام و همه ی ادیان تحریف نشده از کائنات، از عالم و از انسان، فصول متعددی دارد که اجمالاً به توضیح پنج رکن مهم تر آن ها می پردازیم.

رکن اول که رکن اصلی است، توحید است، یعنی اعتقاد به اینکه این ترکیب پیچیده ی بسیار عجیب و شگفت آور و قانون مند کائنات و عالم آفرینش، ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی نهایت و توصیف ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را آورده، ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا» می گویند و او را با آثارش می شناسند. توحید، رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی اسلامی است.<sup>۱</sup>

توحید فقط یک امر ذهنی نیست؛ یک امر واقعی و یک نظام و یک دستورالعمل زندگی است. توحید به ما می گوید که با دوستان مان چگونه باشیم، با دشمنان مان چگونه باشیم، در نظام اجتماعی چگونه باشیم و چگونه زندگی کنیم. اعتقاد به توحید، سازنده ی این عالم و سازنده ی این زندگی است.<sup>۲</sup> در محور نظام فکری شیعه، مسائل مهمی همچون صفات حق تعالی، مسأله ی نبوت و فروع آن، مسأله ی عدل، مسأله ی امامت و مسائل مربوط به تکلیف و قیامت و غیره، همه و همه، متفرعات مسأله ی صانع و توحید باری تعالی و مبتنی بر آن است.<sup>۳</sup>

رکن دوم، تکریم انسان است؛ انسان محوری. از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می چرخد؛ «ألم ترُوا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ؟»<sup>۴</sup> همه ی اینها مسخر انسان هستند، یعنی بالقوه انسان طوری ساخته شده است و عوالم وجود و کائنات هم به گونه ای ساخته شده اند که همه مسخر انسان اند.

این مطلب نشان دهنده ی آن است که این موجودی که خدا، آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او کرده است، از نظر آفرینش الهی باید بسیار عزیز باشد؛ «و لقد کرّمنا بنی آدم»<sup>۵</sup> که این تکریم، هم تکریم تکوینی و هم تکریم تشریحی را شامل می شود.

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷/۴/۲۱.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، پیام به کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۳۷۲/۱/۲۸.

۴. لقمان: ۲۰.

۵. اسراء: ۷۰.

سومین رکن، مسأله‌ی تداوم حیات بعد از مرگ است؛ انسان و زندگی او با مردن نابود و تمام نمی‌شود؛ بعد از مرگ وارد مرحله‌ی جدیدی می‌شود که همانا مسأله‌ی حساب و کتاب و قیامت و این طور چیزها است.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، دنیا و هر آنچه در آن است، مقدمه‌ی حیات بعد از مرگ است و آنچه انسان در اینجا انجام می‌دهد، در واقع مقدمه‌ی چینی برای حیات ابدی است، «الدنیا مزرعه الآخرة»<sup>۲</sup>.

چهارمین رکن، استعداد بی‌پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی است که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه‌ی تعالی حیات ممکنات بالا برود، اما بقیه‌ی موجودات این امکان را ندارند.<sup>۳</sup> انسان در جهان بینی اسلام، آن موجودی است که در او استعدادهای فراوانی نهفته است. این انسان می‌تواند در میدان‌های علم و دانش و کشف رمزها و حقایق خلقت تا بی‌نهایت پیش برود، در سیر مراتب می‌تواند از فرشتگان بالاتر برود، از لحاظ انواع و اقسام قدرتمندی‌ها می‌تواند به اوج قله‌ی قدرت برسد که این مهم در گرو عبودیت خدا است. عبودیت خداوند، راه‌ها را در مقابل انسان باز خواهد کرد و در غیر این صورت، بال‌های او بسته خواهد شد و از پرواز باز خواهد ماند؛ در همه‌ی رشته‌ها، حتی علم و دانش هم با توحید در سر راه انسان قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup>

پنجمین رکن این است که از نظر اسلام، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است. نهایت این عالم، نهایت غلبه صلاح است. همه‌ی انبیاء و اولیاء آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش بروز کند که آن در زمان ولی عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد.<sup>۵</sup> حال که جهان بینی اسلامی و تلقی اسلام از جهان برای مان روشن شد، شایسته است نگاه اسلام به انسان را از نظر بگذرانیم.

دین اسلام، انسان را برترین آفریده و جانشین خدا و محور جهان می‌داند؛ به عنوان یکه‌سواری که می‌تواند در محدوده‌ی عظیم جهان، خرد خود را به کار بیاندازد و به مرتبه‌ی قرب نائل آید. در این میان، انشای عالم به عنوان ابزارهایی در دست انسان است تا به این تکامل دست یابد.

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۴. حضرت آیت الله خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.

۵. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.



دین اسلام، انسان را برترین آفریده و جانشین خدا و محور جهان می‌داند؛ به عنوان یکه‌سواری که می‌تواند در محدوده‌ی عظیم جهان، خرد خود را به کار بیندازد و به مرتبه‌ی قرب نائل آید. در این میان، اشیای عالم به عنوان ابزارهایی در دست انسان است تا به این تکامل دست یابد.<sup>۲</sup>

در اسلام، نگاه انسان از دو زاویه است که دو نگاه با هم منسجم و مکمل یکدیگرند. یک نگاه، نگاه به فرد انسان است که به عنوان یک موجود دارای عقل و اختیار بوده و او را مخاطب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که صراط مستقیم را از مسیر خودپرستی تا خداپرستی و با موتور ایمان قلبی و توشه‌ی ملکات اخلاقی طی کند؛ «علیکم انفسکم»<sup>۳</sup>. در اینجا انسان یک رهروی است که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد.

نگاه دیگر به انسان، به عنوان یک کل و مجموعه‌ی انسان‌ها است. در این نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه‌ی دیگری نیز به او واگذار شده و آن، مدیریت دنیا است؛ «واستعمرکم فیها»<sup>۴</sup>. انسان باید استعدادهای فراوان و غیرقابل شمارشی را که خدای متعال در طبیعت و نهاد انسان قرار داده، استخراج کند و از آن‌ها برای پیشرفت زندگی بشر استفاده کند. در این نگاه، انسان همه‌کاره این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت و تعالی و تزکیه خود، هم مسئول ساختن دنیا.<sup>۵</sup>

خلاصه‌ی کلام در اهمیت و جایگاه انسان‌شناسی در منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری، اینکه انسان‌شناسی جزئی از جهان‌بینی اسلامی و به عبارت دیگر، جزئی از دین است<sup>۶</sup>، چه اینکه دین در آغاز، یک جهان‌بینی، یک معرفت و یک شناخت است؛ شناخت نسبت به این عالم، نسبت به انسان، نسبت به مسئولیت؛ نسبت به مسیر و راه و هدف؛ مجموعه‌ی این معرفت‌ها پایه‌ی دین است؛ معارفی - همچون معارف توحیدی، معارف انسان‌شناسی، معارف فراگیر نسبت به مسائل زندگی بشر - که خود جذاب است و دل‌ها را جذب می‌کند و به دنبال راه ائمه‌علیهم‌السلام به راه می‌اندازد.<sup>۷</sup>

۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۱۳۶۶/۶/۳۱.

۳. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۵.

۴. مائده: ۱۰۵.

۵. هود: ۶۱.

۶. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۷. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با طلاب خارجی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۳.

## گفتار دوم: حقیقت انسان

انسان دارای دو ساحت مادی و غیرمادی است؛ جسم و روح که بینشان تأثیر و تأثر برقرار می باشد.<sup>۱</sup> روح انسان که از آن به عناوینی همچون دل<sup>۲</sup>، جان<sup>۳</sup> و قلب<sup>۴</sup> تعبیر می شود، رفیع ترین مرتبه ی وجودی انسان بوده<sup>۵</sup> و حقیقت و هویت واقعی او را تشکیل می دهد.<sup>۶</sup>

انسان دارای دو جنبه ی انسانی و حیوانی است که این جنبه حیوانی همچون خوردن و آشامیدن، جزو انسان است.<sup>۷</sup> انسان علاوه بر قوای جسمانی و ظاهری - سامعه و شامه و ذائقه و لامسه و باصره<sup>۸</sup> - دارای قوای روحی، غضبیه و شهویه و قوای عقلانی می باشد.<sup>۹</sup> هر چه از قوای انسانی در اختیار انسان است، همه و همه وسایلی جهت وصول به صراط مستقیم هستند تا انسان راحت تر بتواند صراط مستقیم را طی کند.<sup>۱۰</sup>

۱. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در دیدار با گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری سلام الله علیها، ۱۳۸۹/۲/۱.
۲. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۳. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در خطبه-های نماز جمعه تهران، ۷۵/۱۳۴/۱۱/۱۲.
۴. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۳/۱/۲۶.
۵. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۶. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در خطبه-های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۵/۱۱/۱۲.
۷. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در خطبه-های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.
۸. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی سراسر کشور، ۱۳۶۸/۳/۲۰.
۹. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در خطبه-های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.
۱۰. حضرت آیت-الله خامنه-ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم از سراسر کشور، ۱۳۷۵/۷/۱۸.

مجموعه غریزی نیز در انسان وجود دارد که از آن به نفس<sup>۱</sup> - به همان اصطلاح اخلاقی، نه اصطلاح فلسفی آن- و نفس اماره<sup>۲</sup> تعبیر می شود. این نفس که در مراتب نفوس بشری مختلف است<sup>۳</sup>، سرکش، فراموش کار<sup>۴</sup> و زیاده خواه<sup>۵</sup> بوده، انسان را به پستی ها و زشتی ها دعوت می کند و از خروج و تکامل بازمی دارد و در حقیقت، دشمن درونی انسان به شما می آید<sup>۶</sup>. نفس انسان مثل شرورترین حیوانات است<sup>۷</sup> که او را به زندگی حیوانی دعوت می کند<sup>۸</sup> و در واقع همان جنبه ی حیوانیت انسان را تشکیل میدهد. به همین خاطر باید به عقال عقل و جنبه ی انسانیت انسان در آید، چه اینکه در غیر اینصورت، به مثابه ی حیوان وحشی ای خواهد شد که سرگردان بوده و مشکلاتی را برای فرد و جامعه-ی انسانی به وجود خواهد آورد<sup>۹</sup>.

### گفتار سوم: فطرت

از نظر اسلام، انسان ها با وجود ناهمگونی های نژادی و زبانی و فرهنگی، دارای فطرت همسانی هستند<sup>۱۱</sup>: «فطرت الله الّتی فطر التّاس علیها»<sup>۱۲</sup>، انسان ها در خلقت خود، دارای چنین خاصی هستند که به مقتضای آن، از گرایش های خاصی برخوردار می باشند. این گرایش ها در صورت فقدان برخی موانع، انسان را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند، پاکی، عدالت، نیکوکاری و همدردی و همکاری رهنمون می کند<sup>۱۳</sup>. برخی از این گرایش ها عبارتند از:

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۷۸/۸/۲۹.
۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.
۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با فرماندهان رده های مختلف سپاه پاسداران، ۱۳۷۲/۶/۲۹.
۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۵/۲۳.
۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۳/۲۷.
۶. حضرت آیت الله خامنه ای، پیام به مناسبت آغاز سال جدید، ۱۳۷۶/۱/۱.
۷. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.
۸. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹.
۹. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۷۰/۱/۲۹.
۱۰. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹.
۱۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹.
۱۲. سوره روم، آیه ۳۰.
۱۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹.

**حریت و آزادگی:** حریت و آزادگی هم جزو فطرت انسانی و امری فطری است که در انسان نهاده شده است؛ اینکه انسان، بنده و غلام هیچ کسی جز خدا نباشد، چه اینکه انسان بر این فطرت آفریده شده است که آزاد باشد؛ «و قد خلقک الله حراً»<sup>۱</sup>، البته این حریت و آزادگی، بدین معنا نیست که انسان از هر چیز، حتی از محدوده‌ای که خداوند برای انسان ترسیم کرده است، رها باشد، بلکه بدین معنا است که انسان از اسارت و بندگی خود و غرایز نفسانی و حیوانی اش و از بندگی دیگر مخلوقات رها باشد.<sup>۲</sup>

**زیبایی و زیبادوستی:** اصل گرایش به زیبایی و زیباسازی و زیبادوستی نیز یک امر فطری است. انسان از زیبایی و زیباسازی خوشش می‌آید و دلش می‌خواهد زیبا باشد. البته این مطلب با مقوله‌ی نوگرایی متفاوت است؛ نوگرایی امر عامتری است.<sup>۳</sup>

### گفتار چهارم: فلسفه آفرینش انسان

اساس خلقت انسان، سیر معنوی است و بقیه چیزها مقدمه‌اند.<sup>۴</sup> لقاء الله و ملاقات با خدا، هدف آفرینش بشر و هدف «اتک کادح الی ربک کدحا»<sup>۵</sup> است.<sup>۶</sup> انسان در این عالم آمده است تا به کمال برسد. آفرینش بشر برای این است که در این عرصه‌ی آزمایش عالم کون و فساد انسان فرصت پیدا کند و به تکامل نائل شود. این هدف، مخصوص انسان هم نیست. موجودات دیگر هم به وجود آمده‌اند تا در اینجا به کمال برسند. البته کمال هر موجودی، متناسب با ساختمان و طبیعت وجود او است.<sup>۷</sup> در بینش اسلامی، حرکت آفرینش و حرکت و صیورت انسان و بقیه‌ی موجودات آفرینش، به سمت وجود مقدس باری تعالی عزّ شأنه است.<sup>۸</sup>

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ی، بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.

۲. «لا تَکُنْ عَبْدَ غَیْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَکَ اللهُ حُرّاً»، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۱/۸/۲۴.

۴. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.

۵. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰.

۶. انشعاق: ۶.

۷. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با روحانیون و وعاظ در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۴/۳/۳.

۸. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت رضا علیه السلام در روز عید

سعید فطر، ۱۳۷۱/۱/۱۵

۹. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم از سراسر کشور، ۱۳۷۵/۷/۱۸



هدف از آفرینش هر فرد انسان هم همان هدف آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می تواند به آن فضایل آراسته بشود<sup>۱</sup>. فلسفه ی آفرینش انسان این است که استعدادهای برجسته ی مثبت مفید و ممتاز - از لحاظ ارزش های الهی - با اختیار و با مجاهدت خود انسان، بر خصلت های حیوانی اش غلبه پیدا کند که در این صورت، همان استعدادهای حیوانی هم جهت گیری درستی پیدا خواهد کرد<sup>۲</sup>.

### گفتار پنجم: ویژگی های انسان

**منزلت والای انسان:** در اندیشه ی الهی اسلام، انسان برترین آفریده ی خداوند<sup>۳</sup> و جانشین خدا معرفی شده است؛ «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۴</sup>. جانشین، عنوانی است که خدا به انسان داده است<sup>۵</sup> و از آنجا که اعتبار و ارزش انسان به عبودیت و بندگی خدا باشد<sup>۶</sup>، از این رواز او خواسته شده است که خود را به بهای ناچیز دنیا نفروشد؛ «أَلَا حُرِّيدُ هَذِهِ اللَّيَاطِظَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِإِنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا نَهًا»<sup>۷</sup>؛ آیا کسی نیست که این باقی مانده طعام در دهان دنیا را به اهلش بگذارد، حقا که در مقابل خودتان، قیمتی جز بهشت نیست و آن را جز به بهشت نفروشید<sup>۸</sup>.

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با معلمان و اساتید دانشگاه های خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۰.
۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۱۳۶۶/۶/۳۱.
۴. بقره: ۳۰.
۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰.
۶. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۰/۷/۵.
۷. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.
۸. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در چهارمین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۹۱/۸/۲۴.

**استعداد بی پایان در کسب کمالات:** یکی از ویژگی های انسان، استعداد بی پایان او در دارا بودن تمام چیزهایی است که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد تا آخرین نقطه ی تعالی حیات ممکنات بالا برود، اما بقیه ی موجودات این امکان را ندارند. در آیه ی شریفه ی «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم»<sup>۱</sup>، «حسن تقویم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده ایم که مثلاً سرش با دستش، با چشمش، با تنش تناسب دارد؛ در بهترین اندازه گیری انسان را آفریده ایم، یعنی آن اندازه گیری ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه ای ندارد؛ تا آنجا می رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست<sup>۲</sup>.

**تجرد نفس:** همان طور که ذکر شد، انسان دارای دو بخش مادی و غیرمادی است که جسم او به عالم مادیات تعلق دارد و روح یا نفس او از سنخ عالم مجردات می باشد.

حیات حقیقی انسان هم همین حیات روحی و قلبی او می باشد که جز در رابطه با خدا و در سایه ی ذکر مفهوم پیدا نمی کند، به طوری که بی توجهی به این مهم، قلب، زندگی خود را از دست می دهد و روح انسان می میرد<sup>۳</sup>. مراد از این مردن، این است که قابلیت های خود را در اثر اسارت در عالم ماده از دست می دهد و هرچه بیشتر به سمت عالم ماده نزول می کند و تسلیم مشتتهای جسم می شود.

۱. تین: ۴.

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۵/۲/۲۶.

**تغییر پذیری در طبیعت:** تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است. خدا بشر را این طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست. شاید یکی از فرق های انسان با بقیه ی اشیاء هم همین باشد. البته برخی یک نوع تغییر و تحولاتی را در اشیاء جاری می دانند، اما تحول در بشریت حتمی است.<sup>۱</sup>

این تحول و تغییرپذیر بودن انسان، از یک نظر نقطه ی قوت است، چون اگر انسان جامد بود، تحرک و تغییر نمی داشت و پیشرفتی برایش نمی بود. از این رو تغییرپذیر بودن انسان را می توان یکی از ویژگی های انسان به شمار آورد.<sup>۲</sup>

**تربیت پذیری:** از دیگر ویژگی های انسان این است که می تواند با استخراج گنجینه های استعدادی که در نهاد او به ودیعه گذاشته شده است، خود را به زیباترین وجهی بیاراید و با دو بال علم و ایمان، به عروج معنوی و مادی نائل آید.<sup>۳</sup>

در این عرصه، انسان چنان قابلیت دارد که می تواند ردایل از خود بزدايد و به فضایل آراسته نماید. این قابلیت و توان، به گونه ای است که - به نقل از علمای اخلاق- انسان حتی می تواند خلقیات ارثی خود را نیز تغییر دهد<sup>۴</sup>، مثلاً می تواند تنبلی ذاتی، بخل ارثی، حسد ارثی و لجبازی ارثی را تغییر دهد و در نهایت، انسانی مسلمان شود که هم در اعتقاد، اسلامی باشد و هم در عمل و هم در اخلاق<sup>۵</sup>. البته گفتنی است که این ویژگی، فرع بر تغییرپذیر بودن انسان است.

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۱۸

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار ارتشیان، به مناسبت روز ارتش، ۱۳۷۳/۱/۲۴.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۱۳۶۶/۶/۳۱.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه سوم رمضان، ۱۴۱۵/۱۱/۱۴.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش،

**فسادپذیری:** یکی دیگر از ویژگی های انسان، فسادپذیری او است که همانند تربیت پذیری انسان، فرع بر تغییرپذیر بودن او می باشد. مراد از فسادپذیری انسان این است که انسانی که می تواند مظهر برترین و زیباترین حقایق هستی باشد، گاه محلل بروز زشتی ها و پستی های بی همانند نیز می گردد. در چنین حالتی است که باید گفت تسلیم ضعف ها و هوس ها و خودخواهی ها یا جهل ها و غفلت ها و عادت های خود شده است و خود را از همه آن بشارت ها و امیدها و معراج ها محروم ساخته است. این همان است که آن را باید «فسادپذیری انسان» نامید و همان است که در عمر دراز بشریت و نیز در عمر هر یک از آحاد بشر، بزرگترین مصیبت و خطرناکترین تهدید او به شمار رفته است و می رود<sup>۱</sup>.

### گفتار ششم: نیازهای انسان

انسان نیازهای مختلفی دارد؛ برخی از این نیازها، معنوی است و برخی مادی؛ برخی نیازهای اجتماعی است و برخی فردی و برخی از این نیازها، نیازهای فطری است و برخی غیرفطری. حال اینکه کدام نیازها اهمیت و درجه ی ضرورت و اولویت بالاتری قرار دارند، باید گفت که نیازهای فطری و معنوی انسان، مهمتر از دیگر نیازهای او می باشد، البته نباید از این امر غفلت کرد که لازمه ی برآورده کردن این سنخ نیازها، برآورده کردن نیازهایی از سنخ دیگر است، مثلاً برآورده شدن نیازهای معنوی انسان، در گرو این است که برخی نیازهای مادی انسان تا حدودی برآورده شود.

به طور کلی، گذشت زمان، تغییری را در نیازهای اصلی انسان ایجاد نکرده است، بلکه نیازهای اصلی انسان امروز با نیازهای انسان ده هزار سال قبل، هیچ تفاوتی نکرده است<sup>۲</sup>، مثلاً امروز بشر به عدالت، آزادی، پیشرفت، رفاه، خلقیات عالی<sup>۳</sup>، علم، امنیت، آرامش، امانت و ارتباط مستحکم با مبدأ آفرینش نیاز دارد. این نیازها، نیازهای اصلی است که در طول تاریخ بشر تغییر پیدا نکرده است. اینها خواسته های اصلی بشریت است که از فطرت انسان برمی خیزد<sup>۴</sup>. این نیازهای اصلی انسان، فقط به برکت دین خدا است که تأمین می شود و لاغیر. البته نیازهای متبادر زمانی هم چیزهایی است که رد چارچوب نیازهای اصلی و در زیر سایه ی آن ها ممکن است تأمین شود<sup>۵</sup>.

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، پیام به اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۰/۶/۱۵.

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با علما و روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم الحرام، ۱۳۷۸/۱/۲۳.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در سالروز میلاد نبی اکرم (صلوات الله علیه و آله)، ۱۳۹۰/۱۱/۲۱.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با علما و روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم الحرام، ۱۳۸۷/۱/۲۳.



## معنویت و اخلاق

بشر در برهه‌ای از زمان و در هر شأنی از شئون اجتماعی، به ارتباط با خداوند و دعا و توجّه و تضرّع به درگاه کبریایی اش نیازمند است. این نیاز، یک نیاز اساسی و واقعی است.<sup>۱</sup> معنویت در وجود انسان، مایه‌ی هدفدار شدن اوست، به زندگی اش معنا و جهت می‌دهد، همچنان که آرمان‌های معنوی و اخلاقی، زندگی جامعه را جهت‌دار می‌کند و برای انسان هویت می‌سازد. در عوض اگر ذخیره معنوی در وجود انسان، از حدّ لازم پایین‌تر بیاید، انسان دچار لغزش‌ها و گمراهی‌های بزرگی خواهد شد.<sup>۲</sup> بدون ارتباط با خدا، انسان در درون خود تهی است؛ بی‌مغز و بی‌معنا و بی‌محتوا است و توجّه به خداوند و ارتباط با او، روحی در کالبد انسان واقعی و حقیقی است.<sup>۳</sup> حتی مادیات انسان هم از معنویات تغذیه می‌شود و از این رو امکان ندارد بتوانیم نقش معنویات را از زندگی بشر حذف کنیم.<sup>۴</sup>

از طرف دیگر، انسان نیازمند این است که در سایه‌ی معنویات، انسانی متخلق شود؛ متخلق به خلیقات اسلامی می‌شود که در روایات، از آن به جنود عقل تعبیر شده است، چه اینکه تهیدستی از این خلیقات، انسانیت را به پریشانی می‌کشاند.<sup>۵</sup> چنین تخلقی در سایه‌ی معنویت، انجام فرائض، یاد خدا، اجتناب از محرّمات، انس با قرآن، مطالعه‌ی سرگذشت بزرگان و تمرین و ممارست محقق می‌شود.<sup>۶</sup>

## عدالت

عدالت، نیاز فطری انسان و خواسته‌ی اساسی و دیرین بشریت است.<sup>۷</sup> عدالت، توزیع عادلانه و عاقلانه امکانات موجود است.<sup>۸</sup> عدالت در همه جا لزوماً به معنای «برابری» نیست؛ اینکه هر چیزی در جای خود قرار گیرد و حق هر چیزی و هر کسی داده شود و میان انسان‌ها تبعیض و ظلمی وجود نداشته باشد.<sup>۹</sup>

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقبشار مختلف مردم، ۱۳۷۷/۷/۲۹.

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین علیه السلام و روز پاسدار، ۱۳۸۱/۷/۱۷.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقبشار مختلف مردم، ۱۳۷۷/۷/۲۹.

۴. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با ورزشکاران جانباز، ۱۳۷۴/۶/۲۳.

۵. حضرت آیت الله خامنه‌ای، پیام به مناسبت آغاز سال جدید، ۱۳۷۶/۱/۱.

۶. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۶/۲/۲۱.

۷. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مسئولان نظام در روز عید مبعوث، ۱۳۸۹/۴/۱۹.

۸. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸.

۹. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارگزاران و قشرهای مختلف مردم در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷.

از همین رو است که در قرآن کریم و در کلمات ائمه علیهم السلام، به طور مؤکد و مکرر روی مسئله آزادی تاکید شده است؛ «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup>؛ خداوند یکی از خصوصیات پیامبر صلوات الله علیه را این قرار می دهد که غل و زنجیرها را از گردن انسان ها برمی دارد و «اصر» یعنی تعهدات تحمیلی بر انسان ها را از آنها می گیرد. این «اصر» شامل بسیاری از عقاید باطل و خرافی و بسیاری از قیود اجتماعی غلطی که دست های استبداد یا تحریف یا تحمیق بر مردم تحمیل کرده بود، می شود.<sup>۲</sup>

### امنیت

یکی از نیازهای اساسی بشر، صلح و امنیت است.<sup>۳</sup> در قرآن، نجات از ناامنی در کنار نجات از گرسنگی قرار داده شده است؛ «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»<sup>۴</sup> و در احادیث نیز عدل سلامتی و صحت بیان کرده اند؛ «نعمتان مكفورتان؛ الصّحة و الامان»<sup>۵</sup> که این مطلب بیانگر این است که انسان ها برای زندگی، پرورش فکر، پیشرفت عمل و آسایش روان، به محیط و فضای امن و آرام احتیاج دارند؛ چه در درون خودشان، چه در محیط خانواده، چه در محیط جامعه، چه در محیط بین الملل.<sup>۶</sup>

### آرامش و آسایش

مهمترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی باشد.<sup>۷</sup> آسایش انسان، ناشی از آن روحیه و اخلاقی است که باید از دین استمداد بشود و سرچشمه بگیرد،<sup>۸</sup> چه اینکه یاد خدا به انسان آرامش می دهد و دل را نورانی می کند و غبارهای کینه و نفرت و خودخواهی را از دلها می زداید و لنگری برای دلهای متلاطم و مضطرب به وجود می آورد؛ آرامش می بخشد و اطمینان و اعتماد ایجاد می کند.<sup>۹</sup>

۱. اعراف: ۱۵۷.

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در مراسم فارغ-التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۹/۷/۱۸.

۴. قریش: ۴.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی، سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی در سراسر کشور، ۱۳۷۰/۱۱/۲.

۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۰.

۷. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۸۹/۴/۱۹.

۸. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶/۷/۳۰.

۹. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دی، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹.

۱۰. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۴/۱۹.

## امید

از دیگر نیازهای انسان، امید است. امید، بزرگترین قوه محرکه انسان است که انسان را به حرکت وادار می کند؛ امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت. اگر امید از انسان گرفته شود، فعالیت و سرزندگی و شادابی از او گرفته خواهد شد و زانوان فعال و استوار به لرزه خواهد افتاد.<sup>۱</sup>

### گفتار هفتم: مقایسه انسان شناسی اسلامی با مکاتب دیگر

انسان محوری اسلامی با تلقی غربی آن - اومانیسیم غربی<sup>۲</sup> - به کلی متفاوت است<sup>۳</sup> و فقط در اسم شبیه هم هستند.<sup>۴</sup> ریشه تفاوت انسان محوری اسلام با انسان محوری غرب، انسان شناسی آنهاست. انسان در نگاه اسلامی، موجودی دو بعدی است؛ طبیعی و الهی، اما در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت جویی و بهره مندی از لذات زندگی دنیا است، به همین خاطر، محور پیشرفت و توسعه در غرب، انسان سودمحور است و ثروت و قدرت و علم هدف اند و اگر انسان ها و ملت ها تحقیر بشوند و میلیون ها انسان در جنگ ها کشته شوند؛ برای اینکه کشوری به قدرت یا به ثروت برسد؛ ایرادی ندارد! اما در جهان بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله ای برای تعالی انسان هستند.<sup>۵</sup> علاوه بر این، در تفکر انسان گرایی غربی، محور عالم وجود و محور اختیار در این عالم کون، انسان است، انسان محور است، یعنی در واقع خدای عالم وجود، انسان است، یعنی بحث انسان سالاری مطرح است، به خلاف تفکر انسان شناسی اسلامی که بحث خداسالاری است<sup>۶</sup> و با نگاه خداسالاری، انسان را محور جهان<sup>۷</sup> می داند و تکریم و رشد او را از گرایش های اصولی خود به حساب می آورد.<sup>۸</sup>

بنا بر زاویه دید اومانیسیم غربی، پیدایش و وجود انسان در عالم بدون هدف است، البته شاید هدف هایی همچون پول و عشق و مقام و لذت های جسمی و علمی را به عنوان هدف برگزینند، اما اینها هیچ کدام هدف های طبیعی نیست، ملازم با وجود او نیست. وقتی اعتقاد به خدا نبود، اخلاقیات و عدالت بی معنی می شود و جز لذت و سود شخصی، هیچ چیز دیگری معنا پیدا نمی کند.<sup>۹</sup>

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در اجتماع باشکوه مردم کرج، ۱۳۷۶/۷/۲۴.

۲. Humanism.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۶. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در چهارمین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۹۱/۸/۲۳.

۷. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با گروه کشیری از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۵.

۸. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۵/۷.

۹. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴.



از این رو می‌توان انسان‌ها را دستخوش بدترین قساوت‌ها و ظلم‌ها قرار داد و هدف را فقط برآورده ساختن جنبه‌های مادی انسان، آن هم نه همه انسان‌ها، بلکه اقلیت انسان‌ها در نظر گرفت و قوانینی مخالف با فطرت - همچون هم جنس‌بازی - را بر جامعه حاکم کرد، چه اینکه اولاً جنبه غیرمادی برای انسان قائل نیست، ثانیاً از آنجایی که انسان را سالار جهان می‌داند، خود را هرگز پاسخگو نمی‌داند و مسئولیتی را در قبال دیگر انسان‌ها احساس نمی‌کند و به نوعی می‌توان گفت که قانون جنگل در آنجا حکمفرما است. اما بنا بر انسان‌شناسی اسلامی، هدف، اولاً برآورده کردن جنبه‌های غیرمادی و ثانیاً برآورده کردن و جهت‌دهی جنبه‌های مادی انسان است و از این رو توجه به همه جنبه‌های انسان را لازم می‌داند. همچنین انسان، خود را در مقابل خداوند پاسخگو می‌بیند و باید جوابگوی اعمال و رفتار فردی و اجتماعی خود باشد و به همین خاطر هرگونه رفتاری را برای خود مجاز نمی‌شمارد، حتی کشتن یک انسان را کشتن انسانیت معرفی می‌کند، چه برسد به قتل و غارت بسیاری از انسان‌ها؛ «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»<sup>۱</sup>.

### گفتار هشتم: کارکردهای اجتماعی انسان‌شناسی اسلامی مسئله پیشرفت

مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تاثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین‌کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است و چه نوع پیشرفتی نامطلوب است.<sup>۲</sup> منطق اسلام به کلی متفاوت خواهد بود؛ کسی که نگاه تک بعدی مادی به انسان دارد، پیشرفت را فقط در حیطه مادی او می‌بیند، به عکس، کسی که انسان را دارای ابعاد مادی و غیرمادی می‌بیند، صرف پیشرفت در جنبه مادی، بدون پیشرفت در جنبه معنوی رانه تنها پیشرفت نمی‌بیند بلکه پسرفت می‌داند.

۱. ماده: ۲۲.

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۷/۲/۲۷.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۷/۲/۲۷.

۴. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴.



پیشرفت غربی در پی آبادانی دنیای انسان - آن هم قشر محدودی از انسان ها - است، اما پیشرفت اسلامی می خواهد هم دنیای انسان را آباد کند و هم آخرت انسان را؛ آن هم دنیا و آخرت همه انسان ها را. هدف پیشرفت اسلامی، انتفاع انسانیت است، نه انتفاع طبقه ای از انسان؛ این پیشرفت برای کل بشریت است<sup>۱</sup> و پیشرفت یک فرد انسان هم برای او موضوعیت دارد؛ «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»<sup>۲</sup>.

پیشرفت در منطق فلسفه غرب، پیشرفت مادی است و محور آن سود مادی و انسان محور است. هر چه سود مادی بیشتر شد؛ پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال آن است. پیشرفت وقتی مادی شد معنایش این است که اخلاق و معنویت را می توان در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد اما از نظر اسلام این پیشرفت نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است اما به عنوان وسیله. هدف رشد و تعالی انسان است. از نظر اسلام پیشرفتی که بر فرد محوری و اباحه لذاتی که انسان به طور مطلق دوست دارد مبتنی باشد؛ پیشرفت نیست بلکه معنویت، پایه اساسی پیشرفت است؛ پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بعد معنوی قوی است و انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله ای قرار می دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خداوند متعال<sup>۳</sup>.

با توجه به آنچه گفته شد، باید گفت که الگوی پیشرفت اسلامی نیز که بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان شناختی اسلام استوار است، با الگوی غربی پیشرفت که بر مبنای نگاه جامعه و فلسفه های غربی به انسان است، متفاوت خواهد بود<sup>۴</sup>.

یکی از شاخص های مهم پیشرفت غربی، افزایش درآمد ناخالص ملی کشورها است. هر کشوری درآمد ناخالص ملی اش بیشتر باشد؛ پیشرفته تر است. اما بنا بر منطق اسلام افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به تنهایی نمی تواند نشانه پیشرفت باشد بلکه باید دید این درآمد چگونه تقسیم می شود. اگر در جامعه ای انسان هایی وجود دارند که در فقر و محرومیت زندگی می کنند، افزایش درآمد ناخالص ملی حاکی از پیشرفت نیست<sup>۵</sup>. در اسلام افزایش تولید ناخالص ملی بدون پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی مطلوب نیست<sup>۶</sup>.

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با استاتان و دانشجویان دانشگاه های استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۶. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۷. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲/۳/۱۴.

پیشرفت اگر همراه عدالت نباشد؛ مورد نظر نیست بلکه عدالت اجتماعی باید تامین شود. هم فاصله های طبقاتی و جغرافیایی باید برداشته شود؛ هم برابری در استفاده از امکانات و فرصت ها باید به وجود بیاید.<sup>۱</sup> بنابراین شاخص پیشرفت غربی بنابر اومانیسیم غربی، افزایش درآمد ناخالص ملی است اما شاخص پیشرفت اسلامی بنابر انسان شناسی اسلامی، عدالت اجتماعی است.

غرب پیشرفت در صنعت و علم و شیوه های گوناگون زندگی را بدون برکردن شکاف طبقاتی و حتی بیشتر شدن این شکاف، پیشرفت می داند اما منطق اسلام آن را پسرفت می داند.<sup>۲</sup> در غرب چیزی به نام عدالت اجتماعی به عنوان یک وظیفه و ارزش وجود ندارد<sup>۳</sup> در حالی که عدالت اجتماعی جزو بزرگترین توصیه های اسلام است.<sup>۴</sup>

### مسئله آزادی

منشأ آزادی در تفکر انسان گرایی غربی، از آنجا است که چون محور و خدای عالم وجود و محور اختیار در این عالم انسان است و امکان ندارد که انسان بدون اعمال اراده - که همان معنای دیگر آزادی است - صاحب اختیار عالم وجود باشد، پس انسان باید اختیار و آزادی داشته باشد. مراد از این اختیار، توانایی ذاتی و طبیعی انتخاب انسان است، نه اختیاری که در بحث جبر و اختیار مطرح می شود. این مبنای تفکر اومانستی درباره آزادی است.<sup>۵</sup>

به عبارت دیگر باید گفت ریشه آزادی در نگاه اومانیسیم غربی، خواست و تمایلات انسان است. بدین معنا که چون انسان دارای یک خواست و تمنا و میلی است؛ باید بتواند این میل و تمنا و خواست خود را اعمال کند که این تمایلات می تواند عقلانی و منطقی یا غیرعقلانی باشد. می تواند پوچ و بی ارزش یا مهم باشد یا شهوانی و یا روحی باشد. مثلاً اگر کسی بپرسد چرا فلان زن یا مرد در ملاً عام با آن وضع ناهنجار و نادرست ظاهر می شود و یک حرکتی را می کند که وجدان مردم معمولی از آن شرم می کند؟ می گویند او دلش می خواهد، آزاد است. فلسفه آزادی، خواستن است؛ خواستن دل، تمنای دل انسانی، این اساس آزادی در غرب است. اگر چه در نگاه اومانیسیم غربی، آزادی با قانون محدود می شود اما خود آن قانون هم محصول آرزوها و تمنیات و تمایلات افراد است، آرزوها و تمنیات اکثریت افراد جامعه، قانون و نظام را به وجود می آورد و این قانون و نظام، آزادیهای عمومی را در چهارچوب خود محدود می کند.

۱. حضرت آیت الله خامنه-ای، بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۳۸۸/۱/۱.

۲. حضرت آیت الله خامنه-ای، بیانات در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲.

۳. حضرت آیت الله خامنه-ای، بیانات در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۲/۱.

۴. حضرت آیت الله خامنه-ای، بیانات در اجتماع بزرگ مردم قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۵.

۵. حضرت آیت الله خامنه-ای، بیانات در چهارمین نشست اندیشه-های راهبردی، ۱۳۹۱/۸/۲۴.

البته در عمل همین رأی و میل اکثریت را هم یک دسته مخصوصی از مردم - طبقات ممتاز جامعه، سرمایه دارها، صاحبان شرکت ها، صاحبان کارتل ها و تراست های فعال اقتصاد بین المللی، شرکت های چند ملیتی، باندهای اقتصادی و باندهای سیاسی - به وجود می آورند. پس در عمل ریشه طبیعی این آزادی که قانون و نظام را به وجود می آورد، خواست های کمپانی دارها و تراست ها و کارتل ها و شخصیت های اقتصادی و باندهای گوناگون سیاسی و اقتصادی است.

اما ریشه آزادی در اسلام جهان بینی توحیدی است. اصل توحید آزاد بودن انسان را تضمین می کند یعنی هر کسی که معتقد به وحدانیت خدا است و توحید را قبول دارد باید انسان را آزاد بگذارد. روح توحید عبارت است از اینکه عبودیت غیر خدا باید نفی بشود و فقط از خدای متعال اطاعت شود. در واقع ریشه آزادی در اسلام عبارت است از شخصیت و ارزش ذاتی انسان که بنده هیچ کس غیر خدا نمی شود و در حقیقت ریشه آزادی انسان، توحید و معرفت خدا و شناخت خداوند است. ریشه آزادی اسلامی، آزادی انسان از عبودیت هر آنچه غیر خدا است در حالی که ریشه آزادی غربی عبارت از تمنیات و تمایلات و خواست های پست انسانی یا همه جور خواست انسانی است.<sup>۱</sup>

در لیبرالیسم غربی که بر مبنای تفکر اوامانیسم غربی بنا شده است؛ حقیقت و ارزش اخلاقی نسبی است لذا آزادی نامحدود است و شما که به یک سلسله ارزش های اخلاقی معتقدید؛ حق ندارید کسی را که به این ارزش ها تعرض می کند؛ ملامت کنید چون او ممکن است به این ارزش ها معتقد نباشد. بنابراین هیچ حدی برای آزادی وجود ندارد یعنی از لحاظ معنوی و اخلاقی، هیچ حدی وجود ندارد، منطقی آزادی نامحدود است چون حقیقت ثابتی وجود ندارد و ارزش های اخلاقی نسبی است. اما در اسلام و بنابر انسان شناسی اسلامی ارزش های مسلم و ثابتی وجود دارد و حرکت در سمت آن ارزش ها است که ارزش و ارزش آفرین و کمال است. بنابراین آزادی با این ارزش ها محدود می شود.<sup>۲</sup>

همان طور که گذشت، در لیبرالیسم غربی، به دلیل اینکه ارزش ها نسبی هستند؛ آزادی نامحدود است، آزادی شخصی و فردی مطلق انسان در همه زمینه ها و عرصه ها و بی بند و باری انسان ها در هر گونه رفتار و عمل است<sup>۳</sup>، اما وقتی انسان ها در یک اجتماعی زندگی می کنند؛ این آزادی نمی تواند بی حد و مرز و نامحدود باشد. چه اینکه در این صورت بین افراد بشر تراحماتی به وجود می آید و آزادی ها خواه ناخواه محدود خواهد شد. از این رو باید دارای مرز و حدی باشد.<sup>۴</sup>

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱/۳/۱۴

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲



به همین خاطر ضرر رساندن به آزادی دیگران و منافع مادی را - همچون عظمت این کشورها و سلطه علمی شان، امنیت نظامی و استحکام پایه های حکومت حد و مرز آزادی تعریف کرده اند اما ارزش های اخلاقی مطلقاً حد و مرزی را برای آزادی معین نمی کند. مرزهای آزادی در لیبرالیسم غربی با آن فلسفه و آن ریشه فلسفی و آن نگرش مرزهای مادی است مرزهای اخلاقی نیست. اما آزادی در منطق اسلام علاوه بر حدود مادی، مرزهایی از ارزش های معنوی و اخلاقی هم دارد.<sup>۱</sup> آزادی فردی در اسلام با قید اسلامی و هدایت اسلام همراه است. در اسلام ارزش های مسلم و ثابتی وجود دارد و حرکت در سمت آنها ارزش و ارزش آفرین و کمال است و آزادی با این ارزش ها محدود می شود.<sup>۲</sup> اینکه قانونی که آزادی انسان را محدود می کند، فقط در زمینه مسائل اجتماعی نیست یا مسائل فردی و شخصی و خصوصی انسان را هم شامل می شود؛ چیزی است که بر نگاه انسان شناسانه ما مبتنی است.

بنابر اومانیسم غربی که ارزش ها را نسبی و غیر ثابت و آزادی را نامحدود می داند و آزادی فقط در تراحات اجتماعی محدود می شود؛ پرواضح است که قوانینی که در این گونه جوامع به عنوان مرز آزادی تعیین می شود فقط ناظر به مسائل اجتماعی است بدین معنی که قانون می گوید آزادی هیچ انسانی نباید آزادی دیگران را تهدید کند و منافع آنها را به خطر بیندازد. اما قوانین محدود کننده آزادی بنابر انسان شناسی اسلامی علاوه بر اینکه مسائل اجتماعی را در بر می گیرد؛ مسائل فردی را هم در بر می گیرد. یعنی قانونی که آزادی انسان را محدود می کند به انسان می گوید استفاده از آزادی علاوه بر اینکه نباید آزادی دیگران را به خطر بیندازد و منافع جامعه و دیگران را تهدید کند؛ باید منافع خود آن شخص را هم به خطر نیندازد. در حالی که قوانین بشری برای انسان تا آنجا که کار او هیچ گونه رابطه ای با جامعه نداشته باشد، تکلیفی معین نمی کند، هر چند توصیه هایی را مطرح می کند اما تکلیف و الزام نه. لذا بنابر انسان شناسی اسلامی ضرر زدن به خود یا خودکشی، خودزنی، انظلام و راكد گذاشتن استعدادهاى خود ممنوع است و هیچ کس نمی تواند بگوید که چون من آزادم پس اموال خودم را از بین می برم یا جان خودم را نابود می کنم یا به سلامتی خودم ضرر می زنم. او همان طور که موظف است با حرکات و اعمال و رفتار و گفتار خود حقوق دیگران و آزادی آنها را محدود نکند و به خطر نیندازد؛ موظف است آزادی خود و حدود و حقوق خود را هم به خطر نیندازد.<sup>۳</sup>

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲ .

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۱/۱۳



بنابر اومانيسم غربی، موانع آزادی صرفاً عوامل خارجی است که بیرون از انسان وجود دارد و آزادی او را محدود می‌کند. مثل سلطه ابرقدرت‌ها و استعمارگران. اما بنا بر انسان‌شناسی اسلامی علاوه بر موانع بیرونی، دسته دیگری از موانع وجود دارند که مانع آزادی انسان اند. همچون اخلاقیات فاسد، هوی و هوس‌ها، منیت‌ها، بغض‌ها، حب‌های بیجا. یک انسان برای اینکه آزاد باشد کافی نیست که زیر سلطه یک انسان دیگر یا یک حکومت جبار نباشد؛ بلکه علاوه بر آن لازم است زیر سلطه قوه غضبیه و شهویه خودش هم نباشد. آن انسانی که بر اثر ضعف، ترس، طمع، حرص و شهوات نفسانی مجبور می‌شود تحمیلات و محدودیت‌هایی را قبول کند؛ آن انسان هم در حقیقت آزاد نیست. موانع درونی زمینه سلب آزادی توسط عوامل خارجی را به بار می‌آورند و وقتی کسی اسیر این احساسات و ضعف‌های درونی خود هست، لازمه طبیعی‌اش این است که اسیر اسارت‌ها و زنجیرهای بیرون از خودش هم می‌شود.<sup>۱</sup>

با توجه به آنچه در باب موانع درونی و بیرونی انسان مطرح شد؛ بر اساس آن می‌توان آزادی را بر دو نوع آزادی اجتماعی و آزادی معنوی تقسیم کرد. علاوه بر اینکه انسان‌شناسی اسلامی به خلاف اومانيسم غربی، قائل به آزادی معنوی می‌باشد؛ در مورد آزادی اجتماعی نیز امتیاز و اهمیت بیشتری را در مقایسه با اومانيسم غربی برای انسان قائل است.

### آزادی اجتماعی

آزادی اجتماعی یعنی رهایی از قیود، محدودیت‌ها، اختناق‌ها، سخت‌گیری‌ها و موانعی که افراد بشر برای هم ایجاد می‌کنند. این آزادی اقسام گوناگونی دارد. همچون آزادی بیان، آزادی اندیشه و تفکر، آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی. اینکه انسان‌ها چرا و چقدر آزاد باشند؛ به نگرش آن مکتب به انسان بستگی دارد و اسلام با توجه به نوع نگرش خود و بر اساس فطری و الهی دانستن آزادی انسان، امتیاز بیشتری را - در مقایسه با مکاتب غربی - برای آزادی اجتماعی قائل است و هرگز به هیچ بنده‌ای اجازه نمی‌دهد که آزادی افراد دیگر را سلب کند.<sup>۲</sup>

### آزادی معنوی

قسم دیگر از آزادی، آزادی معنوی است. آزادی انسان از قید و اسارت خود، اینکه انسان در درون خود موجودی آزاد باشد. آزادی معنوی، رستگاری انسان و تعالی اخلاقی و عروج معنوی او است.<sup>۳</sup> این آزادی مورد قبول همه کسانی است که به معنویت اعتقاد دارند.<sup>۴</sup>

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵.

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۷۸/۲/۱۴.

۴. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.

اسلام آزادی معنوی را هدف اعلا دانسته و همه کارها را مقدمه تکامل و عروج انسانی بیان می‌کند. این مسئله چیزی است که باید در جامعه اسلامی خود را نشان دهد<sup>۱</sup> و این همان نقطه‌ای است که آزادی از دیدگاه اسلام را به کلی از بینش غربی اش جدا می‌کند<sup>۲</sup>. کسانی که فقط ساحت انسان را مادی می‌دانند و به معنویت اعتقادی ندارند؛ چنین آزادی را برای انسان قائل نیستند<sup>۳</sup>. آنها می‌گویند اگر کسی اسیر تمایلات دل و برده هوس‌ها و شهوت‌های خودش بود؛ او را آزاد بگذارید حتی توصیه‌های معلمین اخلاقی‌شان هم جدای از این بحث است و سفارش‌هایی در این زمینه ندارند و این را آزادی انسان نمی‌دانند، چه اینکه اخلاق آنها هم از بنای معنوی و فکر معنوی الهی دور و جداست و در واقع یک اخلاق خشک و بی‌محتواست.

اما به نظر اسلام هیچ عاملی از بیرون نمی‌تواند یک انسان را آن‌طور برده کند که یک شهوت و هوس و هوس‌درونی‌اش می‌تواند او را برده کند. در اسلام آزادی فقط آزادی از قید و بندهای خارج از وجود انسان نیست بلکه آزادی از قیدهای درونی انسان هم بزرگترین آزادی-هاست و اگر کسی آن را داشته باشد و این را نداشته باشد، در حقیقت آزاد نیست، اسیر و برده است. به همین رو است که توصیه‌هایی همچون «لا یسترقنک الطمع و قد جعلک الله حراً»<sup>۴</sup>، «من ترک الشّهوات کان حراً»<sup>۵</sup>، «من زهد فی الدنیا اعتق نفسه و ارضی ربه»<sup>۶</sup> در اسلام از دهان مبارک ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده است<sup>۷</sup>. بنابراین آنچه گفته شد در نگاه اومانیسم غربی، آزادی انسان، منتهای حقیقتی به نام دین و خدا است و آن را هرگز خدادادگی نمی‌دانند و از این رو به دنبال یک منشأ و ریشه فلسفی برایش هستند. اما در اسلام آزادی ریشه الهی دارد که منشأ بسیاری از تفاوت‌های دیگر می‌شود.

بنابر انسان‌شناسی اسلامی حرکت علیه آزادی حرکت علیه یک پدیده الهی است، یعنی در طرف مقابل یک تکلیف دینی را به وجود می‌آورد اما در غرب چنین چیزی نیست یعنی مبارزات اجتماعی که در دنیا برای آزادی انجام می‌گیرد؛ بنابراین تفکر اومانیسم غربی، هیچ منطقی ندارد.

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۷۸/۲/۱۴.

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۷۸/۲/۱۴.

۴. «ای انسان طمع و آرزو تو را اسیر و برده نکند، در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است»، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، ج ۶۷۴۳، ص ۲۹۸.

۵. «آن کسی که شهوت‌های خودش و هوس‌ها و تمایلات نفسانی خودش را رها می‌کند؛ او آزاد و حر است»، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ابن شعبه حرانی، ص ۸۹.

۶. «آن کسی که به جلوات دنیا و تمایلات دنیوی بی‌اعتنا باشد؛ او جان خودش را آزاد کرده و خدای خودش را خشنود ساخته است»، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، ج ۶۱۰۰، ص ۲۷۷.

۷. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵.

مثلاً یکی از حرف‌هایی که در این باب زده می‌شود خیر همگانی یا خیر اکثریت است. حال اینکه «چرا من باید برای خیر همگانی کشته شوم و از بین بروم؟»، پاسخی ندارد و در واقع کشته شدن برای خیر همگانی مطلوب بی‌منطق است. البته این مسئله جدای از هیجان‌های موسمی و آنی است که خیلی‌ها را به میدان‌های جنگ می‌کشاند اما هرگاه هر کدام از آن مبارزان به مجرد اینکه از هیجان میدان مبارزه خارج شوند؛ شک خواهند کرد که چرا من بروم کشته شوم؟! اما بنابر انسان‌شناسی اسلامی مبارزه برای آزادی یک تکلیف است چون مبارزه برای یک امر الهی و یک وظیفه دینی است.<sup>۱</sup>

در اسلام آزادی روی دیگر سکه تکلیف است. انسان‌ها از آنجایی که مکلف‌اند؛ آزادند. اسلام آزادی را همراه با تکلیف برای انسان دانسته که انسان بتواند با این آزادی تکالیف را صحیح انجام دهد و بتواند به تکامل برسد. اگر انسان مکلف نمی‌بود؛ آزادی لزومی نداشت مثل فرشتگان می‌بود. اما بر اساس نوع نگاه مکتب مادی غرب، آزادی با تکلیف منافات دارد و همه ایدئولوژی‌هایی که در آن تکلیف و باید و نباید وجود دارد؛ مورد نفی واقع شده‌اند و در نفی تکلیف تا جایی پیش رفته‌اند که نه تنها تفکرات دینی را، حتی تفکرات غیردینی و کل ایدئولوژی‌ها را که در آنها تکلیف واجب و حرام، باید و نباید وجود دارد؛ نفی می‌کنند!<sup>۲</sup>

### مسئله زن و مرد

بر اساس انسان‌شناسی اسلامی زن هم مثل مرد، انسان است و فرقی بین زن و مرد در این جهت وجود ندارد.<sup>۳</sup> البته هر کدام از این دو طبیعت، خصوصیات و خصلت‌هایی هم در جسم و روح و فکر و هم در غرائز و عواطف دارند که ویژه خودشان است.<sup>۴</sup>

اسلام طرفدار تکامل بشر است و میان زن و مرد هیچ فرقی قائل نمی‌شود. برای اسلام جنس زن یا مرد مطرح نیست؛ تعالی و تکامل انسانی و بروز استعدادها مطرح است. زن و مرد از لحاظ جنبه بشری و جنبه الهی هیچ تفاوتی با هم ندارند لذا قرآن وقتی که می‌خواهد راجع به انسان‌های بد مثلی را بیان کند؛ از زن مثل می‌آورد «و ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط»<sup>۵</sup>. همچنین وقتی که می‌خواهد در مورد کسانی که مومن هستند مثلی بزند از زن مثال می‌زند «امرات فرعون»<sup>۶</sup>.

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

۴. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در جمع خواهران ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸

۵. تحریم: ۱۰

۶. تحریم: ۱۱



در هر دو جا مثال و نمونه کامل راه خطا و راه صواب را از زن ذکر می کند؛ یک جا هم راجع به مردان سخن می گوید<sup>۱</sup>.

نگاه عمومی به زن که در فرهنگ غربی - میتنی بر اومانیسیم غربی - نهادینه شده، نگاه ابزاری است. بر اساس این نگاه ابزاری است<sup>۲</sup> که احترام به زن و حفظ کرامت او، در اشیاع نیاز مرد تعریف می شود<sup>۳</sup>. اگر با حجاب زنان مخالفت می شود؛ از باب آزاد بودن زنان نیست، بلکه برای چشم نوازی و بهره وری نامشروع مرد است<sup>۴</sup>. آزادی ترسیم شده برای زن، در همین راستا است. مثل آزادی از اخلاق، آزادی از قوانینی که زن را در مقابل شوهر متعهد می کند، آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزاید از قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان، در آنجا که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد.

عناوینی همچون «آزادی زن» که از سوی فرهنگ منحط غربی مطرح شده است؛ بر این پایه است که زن را در معرض دید مرد قرار دهد تا بهره های جنسی را از او ببرد. این آزادی در واقع آزادی زن نیست بلکه آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن است؛ مردسالاری است نه آزادی زن و حفظ کرامت او.

اما در مکتب اسلام، زن آن بخش زیبای آفرینش بشر است که به طور طبیعی با اندکی در پرده بودن همراه است<sup>۵</sup>. احترام به زن این است که به زن فرصت داده شود تا نیروها و استعدادهای برجسته خدادادی درون خود را در سطوح مختلف بروز دهد<sup>۶</sup>. اسلام زن را به چشم یک انسان والا نگاه می نگرد، او را عنصر اصلی تشکیل خانواده دانسته و آسایش خانواده را به برکت طبیعت زنانگی اش می داند که موجبات صلاح جامعه و پرورش انسان های والا را به بار می آورد. با این نگاه است که اسلام هر آنچه را که با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد و موجب ذلت زن، خضوع او در مقابل مرد، اختلاط و آمیزش بی حد و مزر میان زن و مرد و خدشه دار شدن مهم ترین عنصر شخصیت او - یعنی عفت زن- و دور شدن او از شغل اساسی اش - یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده- شود؛

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶/۷/۳۰.

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از زنان پزشک متخصص و مسئولان اولین کنگره حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا اطهر (سلام الله علیها)، ۱۳۸۶/۴/۱۳.

۶. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸.



مردود اعلام می‌کند<sup>۱</sup> و کرامت او را در عفت و عصمت و حجاب می‌داند<sup>۲</sup>. عفت زن وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران حتی در چشم خود مردان شهوت ران و بی بند و بار است؛ مایه احترام و شخصیت او است. این مسئله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. البته عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می‌تواند به زن ظلم کند و بر خلاف تمایل زن رفتار نماید روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است<sup>۳</sup>.

دیدگاه غربی‌ها نسبت به روابط زن و مرد، با آن دید اسلامی که از جهان بینی اسلام سرچشمه می‌گیرد؛ متفاوت است. جهان بینی آنها از مسائل انسان سرچشمه می‌گیرد که البته یک چیز روئایی است، لیکن به چیزهای اصلی منتهی می‌شود<sup>۴</sup>.

در مکتب اسلام، حفاظ و حجابی بین زن و مرد تعریف شده است. البته این بدان معنا نیست که زنان، عالم جداگانه‌ای غیر از عالم مردان دارند؛ نه، زنان و مردان در جامعه و در محیط کار با هم زندگی می‌کنند، مشکلات اجتماعی را با هم حل می‌کنند، خانواده را با هم اداره می‌کنند و فرزندان را پرورش می‌دهند، اما آن حفاظ و حجاب در بیرون از محیط خانه و خانواده حتما حفظ می‌شود<sup>۵</sup>.

آزادی انسانی در اسلام به معنای آزادی اخلاقی و بی بند و باری فرهنگی غربی نیست<sup>۶</sup> اما در اومانیسیم غربی، عدم حجاب و واسطه و فاصله‌ای بین زن و مرد تعریف نشده است و اختلاط و امتزاج بی قید و شرط و بی بند و بار زن و مرد، امر عادی تلقی می‌شود و آزادی شهوات جنسی، یک امر مباح و مجاز و بی قید و شرط است<sup>۷</sup>.

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها و روز زن، ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها و روز زن، ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷/۷/۳۰.

۴. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، ۱۳۷۷/۷/۱۸.

۵. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری سلام الله علیها و روز پرستار، ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۶. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۷. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۱۱/۱۰.

آنچه در اسلام مطرح است، رعایت عدالت محض میان افراد بشر از جمله میان جنس زن و جنس مرد و برابری در حقوق مطرح است اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد، همچنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است.<sup>۱</sup> در اسلام جنس زن یا مرد مطرح نیست و از لحاظ جنبه بشری و الهی تفاوتی با هم ندارند و هر دو انسان هستند. از این رو همان طور که حقوقی را - همچون حق مالکیت، حق انتخاب همسر - برای مرد قائل است، زن را برخوردار از آن حقوق می داند.<sup>۲</sup>

اسلام همان طور که حقوقی را برای مرد به عنوان یک انسان قائل است، حقوقی را برای زن هم قائل است که از جمله آنها می توان به حق مالکیت اشاره کرد. به خلاف اروپای نیم قرن پیش - که بر اساس تفکر اومانیستی برپا شده است - به زن اجازه تصرف در مال شخصی خود را نمی داد بلکه آن را در اختیار شوهر یا پدر یا برادرش قرار می داد.<sup>۳</sup> تا شصت سال قبل زن فقط در سیطره مرد بود و هیچ حقی از حقوق اصلی یک انسان در جامعه را نداشت.<sup>۴</sup> حتی از اواخر قرن نوزدهم میلادی که حرکت هایی به نام آزادی زنان شروع شد و برای زن حق مالکیت معین شد - طبق بررسی موشکافانه جامعه شناسان خود اروپا - این اعلان حق مالکیت برای زن، به خاطر احتیاج شدید کارخانه به کارگر و استفاده از نیروی کار زن بود.

در غرب وقتی زنی با مردی ازدواج می کرد؛ حتی نام خانوادگی او به نام خانوادگی مرد تبدیل می شد و همه موجودی و املاک او در اختیار شوهر قرار می گرفت و در واقع نه فقط جسم و اموال زن بلکه اختیار جان او در دست شوهر بود و مرد سرور زن محسوب می شد! لذا در داستانهای غربی و اشعار اروپایی بسیار مشاهده می شود که شوهر به خاطر یک اختلاف اخلاقی همسر خود را می کشد و کسی هم او را ملامت نمی کند!<sup>۵</sup> در انسان شناسی اسلامی فرقی بین زن و مرد وجود ندارد و نگاه به زن در خانواده به عنوان یک عضو اصلی است. اسلام در خانواده دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه یک در، دو چشم در چهره انسان، دو سنگر نشین در جبهه نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است.

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶/۷/۳۰.

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با جمع کثیری از زنان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، کرمان، قم، قزوین، یزد، کرج و استان های چهارمحال و بختیاری و مازندران، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶/۷/۳۰.

هر کدام از این دو طبیعت، خصوصیات و خصلت‌هایی هم در جسم و روح و فکر و هم در غرائز و عواطف دارند که ویژه خودشان است که اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده‌ای ماندگار و مهربان و بابرکت و پرفایده خواهند داشت و اگر از خُلقیات ویژه خود به طور صحیح استفاده نکنند؛ تعادل در خانواده به هم می‌خورد.

حال با توجه به اینکه زن از لحاظ جسمی، ظرافت بیشتری دارد و مرد قوی‌تر و گردن کلفت‌تر است؛ اگر از زن دفاع نشود؛ ممکن است مرد نسبت به او تعرض کند. به همین خاطر در اسلام به مرد اجازه داده نشده که به زن زور بگوید بلکه از روی کمال مصلحت و حکمت حقوق محدودی را در محیط خانواده برای او قرار داده است. همچنین برای زن نیز در خانواده حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است و باید حمایت قانونی و اخلاقی از زن در محیط خانواده صورت گیرد تا ظلم و تعرضی از جانب مرد متوجه زن نگردد<sup>۱</sup>، نه اینکه شاهد باشیم -طبق آمار- یک سوم زن‌های دنیا از دست مردها کتک بخورند که این امر بیشتر در کشورهای غربی صورت می‌گیرد! نکته مهمی که در اینجا حائز اهمیت است این است که اسلام برای دفاع از حقوق زن در محیط خانواده -به خلاف مکتب غربی- به دنبال این نیست که یک نوع حالت تخاصم و جدایی و رقابت خصمانه بین دو جنس زن و مرد را به وجود آورد و دنیایی بر اساس رقابت و نزاع بسازد بلکه در صدد این است که زن به حق انسانی و رشد حقیقی نائل شده و به صورت انسان کامل در آید<sup>۲</sup>.

بر مبنای اسلام هیچ تفاوتی بین زن و مرد در عرصه فعالیت‌های اجتماعی -اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، به معنای خاص و علمی- وجود ندارد و زن و مرد دارای اجازه مشترک و همسانی هستند. البته ممکن است بعضی از کارها که با ترکیب جسمانی زن منطبق نیست؛ باب زنان نباشد- کما اینکه برخی دیگر از کارها که با وضع اخلاقی و جسمانی مرد تطبیق نمی‌کند باب مردان نباشد- که این موضوع ربطی به محدودیت فعالیت زن در عرصه فعالیت‌های اجتماعی ندارد.

آنچه در این میان حائز اهمیت است شرطی است که اسلام جهت فعالیت زن در عرصه اجتماع گذاشته است و آن، مرزبندی میان زن و مرد و عدم اختلاط آنها است. در این صورت همه کارهایی را که مرد می‌تواند در عرصه اجتماع انجام دهد، زن هم -اگر قدرت جسمانی و شوق و فرصتش راداشته باشند- می‌تواند انجام دهد. به همین خاطر اسلام برای حفظ این حدود اخلاقی حجاب -لباس مشارکت اجتماعی- را برای زن معین کرده است که با حفظ این حدود اسلامی، فعالیت زن در عرصه اجتماع فعالیتی کاملاً مباح و روا خواهد بود<sup>۳</sup>.

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در جمع خواهران ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸.

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶/۷/۳۰.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.



## مسئله حقوق بشر

از دیگر کارکردهای انسان شناسی اسلامی در نظامات اجتماعی مسئله حقوق بشر و حقوق انسانهاست. همان طور که می دانیم یکی از اصول اسلامی که همیشه در معرفی اسلام مطرح شده است، اصل «تکریم انسان» است و هیچ مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی داند. اسلام است که با احکام خود همه گونه احکام - چه احکام قضایی و جزایی و چه احکام مدنی و حقوق عمومی و مسائل سیاسی - از حقوق همه انسان ها دفاع می کند.<sup>۱</sup> معیار مکتب اسلام در حقوق اجتماعی این است: «لن تقدس أمة لا یؤخذ للضعیف فیها حق من القوی غیر متع»<sup>۲</sup>؛ اینکه در یک جامعه فردی که دستش از زر و زور تهی است بتواند حق خود را بدون هیچگونه مشکلی از قوی - که زر و زور هم دارد - بگیرد.<sup>۳</sup>

بر پایه انسان شناسی اسلامی همه انسان ها با هم برادر و برابرند و تبعیضی بین آنها وجود ندارد؛ نژادی بر نژاد دیگر برتری و رفعت طبیعی و ذاتی ندارد بلکه ملاک برتری تقواست.<sup>۴</sup> بنابراین دستور اسلام مبنی بر حفظ حقوق انسان ها است که هر جا صدای استغاثه مظلومی بلند شد، باید به کمک او شتافت<sup>۵</sup>، «کونوا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً»<sup>۶</sup> خصم ظالم باشید یعنی مدعی اش باشید و گریبانش را بگیرید و هر جا مظلومی هست به او کمک کنید؛ هر چه می توانید و به هر نحو که می توانید.<sup>۷</sup> اما حقوق بشر غربی - مبتنی بر اومانیسیم غربی - حقوقی برای انسان غیر غربی یا سیاه پوست قائل نیست و اگر شعاری با عنوان حقوق بشر سر داده می شود؛ حربه ای سیاسی بیش نبوده<sup>۸</sup> و فقط برای حفظ سعادت و سلامت خودشان<sup>۹</sup> مطرح می شود.

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها و روز زن، ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۱/۷/۱۳.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۲/۷/۲.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار با جمع کثیری از نیروهای مقاومت بسیج، گروهی از پرستاران و جمعی از پرسنل نیروی دریایی ارتش، ۱۳۶۹/۷/۹.

۶. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۷. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳.

۸. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴.

۹. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۷۰/۶/۲۵.



## نظام مردم سالاری دینی

در دموکراسی غربی - یعنی دموکراسی متکی بر لیبرالیسم - پایه مشروعیت حکومت ها و نظام ها، رأی اکثریت است. مبنای این فکر هم اندیشه آزادی فردی است که هیچ قید و بند اخلاقی ندارد مگر حد و مرز ضرر رساندن به آزادی دیگران. از این رو می توان گفت که پایه دموکراسی غربی پیروی اقلیت از اکثریت است؛ هر چند که عمل دموکراسی های غربی به کلی با این تئوری متفاوت است و آنچه امروز در عرصه عمل مشاهده می شود؛ این نیست. باطن دموکراسی غربی، حاکمیت سرمایه و سرمایه سالاری است، نه مردم سالاری<sup>۱</sup>.

اما در مردم سالاری دینی یکی از پایه های اصلی مسئله تکریم انسان است<sup>۲</sup>. هویت انسانی در مردم سالاری دینی هم دارای کرامت است و هم کارساز که نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن انسان، این است که آرای مردم باید نقش اساسی را در اداره جامعه ایفا کند<sup>۳</sup>. در مردم سالاری دینی، این موضوع مطرح است که مردم باید حاکم را بخواهند تا او حق حکومت داشته باشد. به عبارت دیگر پایه مشروعیت حکومت دینی رأی مردم است که در اینجا اعتبار رأی مردم، بر اساس کرامت انسان پیش خدای متعال است. البته پایه اصلی مشروعیت، تقوا و عدالت است منتها تقوا و عدالت بدون رأی و مقبولیت مردم کار آیی ندارد<sup>۴</sup>.

## علوم انسانی

علوم انسانی یکی از محورهایی است که انسان شناسی نقش اساسی ای را در آن ایفا می کند، چه اینکه موضوع اصلی علوم انسانی، انسان بوده و شناخت انسان پیش فرض همه علوم انسانی است. اینکه ما چه نگرشی به انسان داشته باشیم، تاثیر شگرفی بر علوم انسانی خواهد گذاشت<sup>۵</sup>.

علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه دانش ها و همه تحرکات برتر در یک جامعه مثل یک کالبدی است که روح آن علوم انسانی است. علوم انسانی جهت دهی می کند و مشخص می کند که ما به کدام طرف می رویم و دانش ما به دنبال چیست. وقتی علوم انسانی بر پایه ها و جهان بینی های غلطی استوار شد؛ نتیجه این می شود که همه تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می رود<sup>۶</sup>.

۱. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳.

۲. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶.

۳. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳/۳/۱۴.

۴. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶.

۵. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها، ۱۳۸۳/۹/۲۶.

۶. حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰/۷/۱۳.

مثلاً علوم انسانی غربی - همچون اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و روانشناسی - که بر پایه اومانیسزم غربی بنا شده است؛ بر مبنای یک معرفت ضددینی است<sup>۱</sup>، مبتنی بر جهان بینی و فهم دیگری از عالم آفرینش است که غالباً نگاه مادی است<sup>۲</sup>. مبتنی بر فلسفه‌هایی است که مبنایشان مادی‌گری، حیوان انگاشتن انسان، عدم مسئولیت او در قبال خداوند متعال و نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است و طبعاً نمی‌تواند خواسته‌ها و آرمان‌های جامعه اسلامی را برآورده کند. بنابراین علوم انسانی مبتنی بر انسان‌شناسی است و ثمره آن را می‌توان از کارکردهای انسان‌شناسی برشمرد.

بدین رو انسان‌شناسی اسلامی - که اولاً انسان را مخلوق خداوند می‌داند و ثانیاً او را دارای دو ساحت دانسته و بعد غیرمادی را برای او قائل می‌شود - معرفت نویسی را در اختیار انسان می‌گذارد و علوم انسانی دیگری را بنا خواهد کرد که با علوم انسانی مبتنی بر اومانیسزم غربی متفاوت می‌باشد. همچنین ثمراتی که بر این دو نوع علوم انسانی بار می‌شود، متفاوت خواهد بود<sup>۳</sup>.

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۹/۲۶.

۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸.

۳. حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۹/۲۶.

تهیه شده در  
طرح سراسری تبیین منظومه فکری رهبری



تبیین منظومه فکری رهبری



@t\_manzome\_f\_r